



بنام کردستان بزرگ

Under name of great Kurdistan.

دوستان عیب کنندم که چرا دل بتو دادم؟!
اول بتو باید گفتن که چنین خوب چرائی؟.

چگونه قلع و قمع پایگاههای نیروهای اشغالگرا در منطقه مکریان (طراحی ... فرماندهی
و... بمورد اجراء میگذاشتم)؟؟؟. برای ثبت در تاریخ جنگهای میهنی فرزندان کرد، علیه اشغالگران.

از: سرهنگ چیا: (طراح و فرمانده) این عملیات.

ما: (صلح را دوست داریم و به آزادی و زندگی عشق میورزیم).

اینها واقعیات تاریخی اند که توضیح و سند اعتبار آن را باید: در آرشیو گذشته و نیز در شرائط اجتماعی، سیاسی و نظامی امروز مبارزه و فداکاریهای خلق ستمدیده کرد سراغ گرفت. لکن با وجود این حقیقت محرز و مسلم، سیرتاریخ در سراسر دوران موجودیت خلق کرد، همواره موید این تجربه تلخ تاریخی نیز بوده و میباشد: مادامیکه سیاست استعمار و امپریالیزم: (تعدی و تاراج!)، مادامیکه حاکمیت و سیطره شوم شوینیزم و ارتجاع بر مبناء (انکار و امحاء) بر کردستان و کرد در میان باشد، هرگونه سخن گفتن از: (آزادی و صلح) در عمل و به تجربه ابزار فریب و نیرنگی بیش نبوده و.... حاصلی جز شکست و ناکامی برای جنبش آزادیبخش کرد در بر نداشته و لذا امید بستن به آن: (واهی و عبث) است.

یعنی اینکه: برای حل و فصل تضادها اعم از "ملی یا طبقاتی" و سرانجام رسیدن به آزادی و صلح واقعی، چاره ای جز جنگ! و.... باز هم جنگ!، در شکل و محتوای: (ادامه مبارزه سیاسی، با وسائل دیگر) نخواهد بود.

زیرا: خلق کرد، در راه پراز فراز و نشیبی در مبارزه است، دشمنانش از هر سو او را در محاصره گرفته اند، همیشه باید از زیر آتش آنها بگذرد، معذالک اراده اش بر: (الحاق و اتحاد) بنابه تصمیم آزادانه اش تصمیمی که همانا جوای آن گوفته است که: جوای رهائی از ظلم شوم استعمار پیرو... کارگزاران شو-پینیزم آن با اشغالگران پیکار کند.

میبایستی بوساس درس هائی که از تجربیات تاریخی و رو داده ای "جاری" خود دیگران بدست می آیند، به تحلیل اوضاع و احوال موجود، به تغییر و انتخاب: (استراتژی و تاکتیک ه ای) جدید مبارزاتی: و بوساس نیاز "تاریخی و حقیقی" ملت کرد پرداخت. میبایستی: حرکت توده هار از شکل و محتوای یک حرکت خود بخودی، یعنی "خودانگیخته، ناآگاهانه و سازمان نیافته" ... متحول ساخت... و بالاخره، میبایستی به هریک از مبارزین خلق کرد، بویژه، (پیشمرگان و گریلا های) آنرا بابسیج سالم سیاسی فهماند که چرا:

می جنگد و اصولاً این جنگ : چه ارتباطی با شخص وی ، و جامعه و سرزمین او دارد . سپس دوباره جنگیدن و تجربه آموختن بطور نامحدود و خستگی ناپذیر ... تا پیروزی .

برموجی که برپایت میشکند درنگ مکن
چه ! ، تاپایت درآب است موجهای دیگری برآن خواهند شکست .

" برتولت برشت "

آموختن : مبارزه علیه این فکرو برداشت " باید " همیشه وجود داشته باشد که : (از نظر تاکتیکی کمتر از حد و از نظر استراتژیکی بیشتر از حد واقع ارزیابی کردن دشمن) ... و سپس دوباره جنگیدن ، اما نه بهر قیمت و بهای : یعنی : (خود را به آب و آتش زدن) . زیرا که : اینکار مغایر با اصل اساسی جنگ اعم از جنگ های : (منظم یا غیر منظم) چریکی " گریلائی و پارتیزانی " است .

پس از این یاد آوری!

چگونه حمله به پایگاههای ثابت نیروهای اشغالگرا : (طراحی ... فرماندهی و بمورد اجرا میگذاشتم) .

هدف از اجراء این طرح عملیاتی ؟ ، مانند دو طرح قبلی : (عملیات کمین در مسیر نیروهای دشمن و در شهر)

الف - بالا بردن روحیه و جلب اطمینان و اعتماد ساکنین " شهر و روستای " منطقه مکریان به اینکه : هنوز فرزندان همیشه قهرمان آنان " پیشمرگان " قادرند و میتوانند : هر وقت و هر جا که بخواهند (در قلب نیروهای اشغالگر) نفوذ کرده و ... وارد عمل شده و ... به آنان ضربه وارد کنند . این موضوع در جنگهای رهائیبخش : (ملی و انقلابی) بسیار مهم بوده و ... نقش کلیدی را بازی میکند .

ب - اخطار به نیروهای اشغالگر میهن کرد مبنی بر اینکه : هنوز نیروهای خلقی از ابتکار کامل عملیاتی برخوردار بوده و ... هر جا و هر موقع بخواهند میتوانند وارد عمل شده و ... به آنان ضربه بزنند .

یاد آوری ! : در چنین عملیاتی میبایست از اصل " معنوی و ذهنی " تواما استفاده کرد :

1 - ماموریت محوله باید دارای اهمیت زیادی باشد . 2 - اجراء این ماموریت باید بسیار ضروری باشد و افراد کاملاً متوجه این موضوع باشند . 3 - هر یک از افراد قسمت یا نیروی پارتیزان " گریلا یا پیشمرگه " باید به ارزش کار خود در اجراء ماموریت کاملاً واقف باشند و اثر وجودی خود را در " شکست و پیروزی " احساس کنند . 4 - افراد باید قانع شوند که : ماموریت محوله قابل اجراء بوده - و غیر ممکن نیست . 5 - افراد باید به فرمانده خود اعتماد و اطمینان کامل داشته و بدانند که او " فرمانده " فقط برای اجراء این ماموریت جان آنها را " افراد " را بدون دلیل بخطر نمیاندازد . 6 - افراد باید به واحد یا قسمتی که بآن تعلق دارند ایمان کامل داشته و آنرا بهترین بدانند . 7 - اصل رعایت انضباط آهنین و انقلابی افراد و نظم عملیاتی باید بر موارد بالا حاکم باشد . زیرا کسیکه از دشمن سخن میگوید باید همانند از (نظم و دیسپلین آهنین نیز سخن بگوید) .

خلاصه وضعیت نیروهای خودی و دشمن : (آنچه را که بعد از حدود 30 سال بخاطر دارم)

نیروهای خودی :

1 - یک تیم برگزیده ضربتی از واحد " پیشمرگه " مرکب از 20 تا 30 نفر بر حسب : (هدف مورد نظر) این تعداد متغیر است ، مجهز به سلاحهای انفرادی ، نارنجک دستی و دو قبضه : (آر پی جی) .

2 - نیروهای دشمن :

پایگاههای ثابت دشمن مستقر در ارتفاعات " میهن کرد " با مسئولیت نظارت بر برقراری نظم و انتظامات در مناطق حساس روستائی و طرفین جاده های منطقه.

ماده 2 - ماموریت

الف - نیروهای خودی : 1 - نمایش قدرت و توان رزمی 2 - تخریب روحیه نیروهای دشمن و نشان دادن برتری عملیاتی (ابتکار عمل) 3 - بازگرداندن اعتماد بنفس پیشمرگان ، بویژه : ساکنین شهر و روستای " بوکان " که بهنگام تخلیه شهر از نیروی پیشمرگه آسیب دیده بود.

ب - نیروهای دشمن : پایگاههای ثابت دشمن که مسئولیت نظارت بر : نظم و انتظامات را در مناطق حساس روستا-ئی را بعهده داشتند.

نوع طبقه بندی این عملیات مانند دوطرح قبلی : از زمان شروع تا خاتمه آن : (**یکلی سری**) اعلام کردم.

نام رمز شروع عملیات : بین واحد عمل کننده با ستاد فرماندهی و کنترل عملیات در منطقه ؟ فراموش کرده ام لکن آنچه راکه : بخاطر دارم ، تعداد پایگاههایی که : حمله به آنها را طراحی و بمورد اجرا گذاشتم بین 3 تا 4 پایگاه بود.

خلاصه ائی از شرح واقعه از ابتداء تا خاتمه عملیات : (آنچه را که پس از حدود 30 بیاد دارم).

همانطوریکه : قبلا : در دوطرح عملیاتی قبلی : 1 - **کمین گردان 801 هوابرد ، 2 - کمین روزانه در شهر یاد آور** شدم در سال 1360 شمسی گردان مزبور بدون هیچ مقاومتی از ناحیه نیروهای جنبش در داخل شهر بوکان آنر متصرف و توانست که ارگانهای دولتی رژیم را در آن شهر بازسازی و مستقر نماید . و متعاقب آن نیز اقدام با استقرار تعدادی پایگاههای کنترل در منطقه را نمودند

لذا : از آنموقع به بعد ، من " **سرهنگ چیا** " در فکر تهیه و تنظیم طرح عملیاتی از نوع : حمله های غافلگیرانه با استفاده : 1 - از تاریکی شب 2 - خستگی جسمی و روحی نگهبانان در چنین مواقعی از شب را بمنظور هائی که در قسمت " **الف** " در بالا اشاره کردم ، بودم .

همزمان دیگر نیروهای جنبش از جمله : پیشمرگان سازمان کومله ، گروه سازمان خبات و گروهک مجاهدین خلق ایران : (متحدین دکتر قاسملو) بطور مرتب و شبانه ، از فاصله های دور به عملیات محدود و از پیش طرح ریزی نشده ائی : (بدون برنامه) میپرداختند ، که : اثرات و نتایج آن نه تنها چندان معلوم و مشخص نبود ، بلکه به عکس ، نیروهای اشغالگر را وادار میکردند که با استفاده از سلاحهای سنگین به گلوله باران قراء منطقه و اهالی آن بپردازند . و در این میان گروهک مجاهدین خلق برای تهیه و تامین اخبار رادیوئی شان ، دست بالائی را داشتند .

تا جائی که من مجبور شدم که مسئول آن گروهک 13 نفره را بنام " **قاسم** " که در یکی از قراء منطقه بوکان مستقر بودند به مرکز فرماندهی نیروی بیان احضار و شدیداً به وی اخطار کردم که : در منطقه مسئولیتی که من " **چیا** " عهده دار آن هستم حق هیچگونه عملیاتی از این قبیل را که : موجب میگردد نیروهای رژیم قراء و قصبیات و اهالی آن را گلوله باران کند ، ندارند . که اینموضوع بعد ها موجب اعتراض " **دکتر قاسملو** " گردید چرا که : آنها متحدین ما هستند؟! .

و اما درباره : حمله به پایگاههای ثابت دشمن :

اینکار مستلزم شناسائی " **مقدماتی و تکمیلی** " است .

میدانیم : واحدهای نظامی دشمن معمولاً بدو منظور بحرکت درمیآیند : 1 - طرح جابجائی " **جایگزینی** " 2 - مامو- ماموریتهای عملیاتی " **جنگی** یا **مانوری** " ، بویژه ، این تحرکات در مناطق بحرانی " **جنگ زده** " بنا به ماهیت سیستم " **اداری و نظامی** " نیروهای اشغالگر : (**تعدی و تجاوز**) از یکسو ، و مقاومت و پیکار پنهانی و آشکار مبارزین

وتوده های خلق در برابر آن ، بخاطر (آزای واستقلال) ازسوی دیگر ، غالبا دامنه وسیعتری را پیدا میکنند . در این میان مسئله اساسی برای واحد های چریکی " پیشمرگه یا گریلا " این خواهد بود که چگونه : (کی ، کجا ، و چطور)؟؟ از این جابجائیهای نیروهای دشمن اعم از " جنگی و یامانوری " در مناطق اشغالی بموقع کسب اطلاع نماید . تابریایه آن برنامه : (اطلاعاتی و عملیاتی) خود را که همانا بر آورد وضعیت از نیروهای دشمن وتطبیق عملیاتی آن بانبروهای خودی میباشد ، طرحریزی وبمورد اجراء در آورد . زیرا :

(اگر دشمن و خودت را بشناسی ، صد با می جنگی وبخطر نمیافتی)

از سن نوزی تئورسین نظامی چینی.

منابعی که در این قبیل مواقع میتوانند مارا در دسترسی به چنین عملیاتی یاری کنند ، معمولا عبار- تند از :

- 1- هسته های مقاومت زیرزمینی در مناطق اشغالی بویژه در شهرها که بیشتر عرصه فعالیتهای نیروی دشمن میباشد
- 2- هواداران جنگ چریکی " میهن پرستان " واقعی که در تمام سرزمینهای اشغالی " شهروستا " فراوان موجودند ، اینان حاضرند در اینراه تاسرحد فداکاری با واحد چریک " پیشمرگه یا گریلا " صمیمانه و داوطلبانه همکاری کنند.
- 3- کسبه و بازاریان ، بویژه : در شهرها وقصبات : محل استقرار پایگاهها و پادگانهای دشمن که بجهت عدیده ائی " شخصی یا اداری " در فعالیتهای روزانه خود خود مثلا : خرید وفروش مایحتاج پرسنل نظامی بانظامیان در تماس بوده ولذا اینان میتوانند بهترین عامل اخذ وانتشار اطلاعات و اخبار مربوط به تحرکات غیر عادی نیروهای دشمن باشند.
- 4- عوامل اطلاعاتی " سازمانی " واحد های پیشمرگان یا گریلاها بعنوان کسب وپرورش اخبار واصله از منابع مذکور وانطباق آن با فعالیتهای خویش ، نقش بسیار مهم وتعین کننده را ایفاء میکنند.

شناسائی مقدماتی :

شامل شناسائی فرمانده واحد چریک " پیشمرگه یا گریلا " باتفاق فرماندهان دسته ها ، بمنظور : 1- میزان آمادگی رزمی نفرات مستقر در پایگاه 2- تعداد تقریبی پرسنل مستقر در پایگاه 3- تعداد سلاحهای نیم سنگین مستقر در اطراف پایگاه وجهت ومیدان تیرآن برای دفاع از پایگاه در مواقع ضروری ، مضافا این عملیات شناسائی برحسب مورد " زمایی ومکانی ومیزان آمادگی نیروهای دشمن ، ممکنست (در روزو ... یا بطورشناخته) انجام گیرد.

لذا برای تعیین وبر آورد موارد بالا من " چیا " باتفاق فرماندهان دسته تصمیم گرفتیم که این مرحله از شناسائی را در روزو ... بشرح زیرو بمدت سه روز متوالی وبا چشم مسلح " دوربین دار " درحول وحوش پایگاه مورد نظرو بطور سری وبویژه ، بدور از چشم اهالی منطقه بطور کلی و ... اهالی که پایگاه در آنجا مستقر بود بطور اخص انجام دادیم.

مثلا برای تعیین تقریبی نفرات مستقر در پایگاه بهترین راه " باتوجه " بسوابق نظامی ام این بود که در موقع نهار که معمولا نفرات برای گرفتن غذای ظهر از آشپزخانه سیار که در جلو پایگاه پارک شده بود به ستون 1 پشت سر هم بصف بایستند . ولذا برای تعیین افراد موجود در پایگاههای با اختلاف چند درصد میتوان به تعداد نفرات پی برد وبر اساس آن تعداد چریک مورد نظر را برای انجام این عملیات تعیین وشخص کرد.

شناسائی تکمیلی :

این مرحله از شناسائی را باتفاق تصمیم گرفتیم که : در شب بین ساعتی : (2 تا 3) نیمه شب وبمنظور های انجام دهیم :

- 1- محل استقرار و آرایش ، همچنین منطقه مسئولیت وسمت آتش را از نفرات دسته تعیین ومشخص نمودیم . 2- محل استقرار گروه بازدارنده در : ابتداء وانتهای میدان عملیات " در مسیر جاده ای که به پایگاه منتهی میشد " تا در صورت کمک به پایگاه آنرا مورد حمله قرار و از هر نوع کمکی در جریان عملیات جلوگیری نماید ، وظیفه دیگر این گروه همچنین میتوانست بعنوان نیروی تقویتی وبازدارنده وارد عمل شود . 3- میزان آمادگی پایگاه در شب ، بویژه

نگهبان یا نگهبانان در هنگام شب و در موعد مقرر عملیات : ((اینموضوع برای انجام موفقیت آمیز عملیات بسیار مهم است)) ، زیرا : در چنین مواقع از شب نگهبان یا نگهبانان چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی احساس خستگی و بسا : ترک پست و یا خوابیدن در سر پست نگهبانی بنماید. 4 - منطقه مسئولیت ، جهت و نحوه پیشروی هر تیم شرکت کننده در عملیات را شخصا و باتفاق فرماندهان دسته تعیین و مشخص نمودم. 5 - پس از پایان این مرحله از شناسائی ، باتفاق فرماندهان دسته و برای اطمینان از تفهیم دومی مرحله از شناسائی : (مقدماتی و تکمیلی) در یک شورستادی نتایج دومی مرحله مذکور را بانها به بحث و تبادل نظر گذاشتم.

اما بجز تشخیص هدف و تعیین وظائف ، مسئله بسیار مهم : پیدا کردن راه درست و مناسب و ... تعیین وظائف و شیوه کار و عمل برای اسیدن به این هدف و اجراء وظائف آنست ، زیرا : هدف از اجرای این یا آن ماموریت در حقیقت عبارت است همین راه رسیدن به هدف است.

در این جلسه همچنین منطقه مسئولیت و جهت ، یا جهت های پیشروی بسوی پایگاه " هدف " و تعداد پیشمرگان به نام مورد بحث و تبادل نظر و موافقت قرار گرفت. ساعت شروع عملیات : (2 تا 3) بعد از نیمه شب همانروز تعیین و مشخص گردید. برنامه آتش را بنحوی سازمان دادیم که : دشمن از زاویه های متعدد تیر با آتش متقاطع ، خود را اسیر و گرفتار مشاهده کند. برای اینکار بهر یک از پیشمرگان میدان تیر اصلی و ثانوی را تعیین نمودیم الخ.

همانروز فرماندهان دسته به پایگاههای مربوطه مراجعت و قرار بر این شد که : همان شب از راههای مختلف بطوریکه موجب جلب توجه اهالی منطقه نگردد ، پیشمرگان را به محلی که قبلا : پس از دومی مرحله شناسائی (مقدماتی و تکمیلی) که فوقا بادن اشاره کردم ، در فاصله حدود 500 تا 600 متری از پایگاه مورد نظر : جائیکه من " چیا " از شروع تا خاتمه عملیات مستقر بودم بیاورند. سرانجام پیشمرگان مامور اجراء این عملیات را در محلی بنام : (نقطه عزیمت) ملاقات کردم.

آری! ... چه لحظات پراز غرور و افتخار ، چه لحظات فراموش نشدنی برای " فرمانده چیا " که در سیما و نگاه یکایک از آن حماسه آفرینان میهن کرد " کردستان " برق شادی ، اعتماد بنفوس و اطمینان به موفقیت را آشکارا احساس میکردم. این بود راز موفقیت من بطور اخص ، و یا هر فرمانده دیگری بطور اعم در تمام جبهه های جنگ اعم از جنگهای : (منظم و غیر منظم) ، بویژه : در جنگهای : (ملی و طبقاتی) علیه متجاوزان و اشغالگران در کردستان ، در افریقا و امریکای لاتین و هر جای دیگر دنیا.

راز موفقیت من " سرهنگ چیا " در تمام عملیاتی که در مدت حدود 2 سال بعنوان یک پیشمرگه در مفهوم عام آن از یکسو ، و کاربرد تجارب و تخصص حدود 21 سال زندگی نظامی ام بطور اخص از سوی دیگر ، این بود که در تمام عملیات ، در تمام باز دیدها از پایگاههای پیشمرگان و بهنگام عملیات آنرا در مفهوم و محتوای : (فرمانده پدر ، مربی) در فضاء مملوء از اعتماد و اطمینان متقابل در اختیار فرماندهان دسته و پیشمرگان بشیوه " شور ستادی و تبادل نظر " در میان میگذاشتم.

بالاخره ، حدود ساعت 1 بعد از نیمه شب در پایگاه موقتی " عملیاتی " آخرین دستورات و راهنماییهای عملیاتی را که معمولا فرماندهان واحدهای ؛ " منظم یا غیر منظم " میبایستی برای نفرات مامور عملیات ایراد نماید :

پسرانم! ... پیشمرگان! : روزی را که نوبت حمله به پایگاههای ثابت مستقر در ارتفاعات : میهن کرد بود فرا رسیده است. " فرمانده چیا " چون همیشه با خونسردی ، صبر و حوصله و بادقت کامل مانند همه عملیاتیهای دیگر طراحی کرده است ، اکنون فرار رسیده - ولی این عملیات برخلاف انتظار و پیش بینیهای احتمالی شما و دیگران در تاریکی شب و از فاصله های دور با شلیک آری پی جی نیست ، بلکه بر عکس ، در رویا روی با دشمن : (بیداریا بخواب رفته) است و چنین ادامه دادم :

بهمین دلیل نیز از یکایک شما " عزیزانم " میخواهم که مانند همیشه : (نظم و دیسیپلین آهنین) را که پیش شرط موفقیت است ، کاملا رعایت کنید. از یکایک شما میخواهم که به نیروهای اشغالگر " میهن کرد " نشان دهید که

پیشمرگان قادرند و حاضرند که در هر جا و مکانی و ... در هر شرایط و موقعیتی که لازم باشد ، به آنها ضربه بزنند یعنی اینکه : ((ابتکار عملیاتی)) با ما است.

بویژه ، و از آن مهمتر اینکه : به اهالی شهر یوکان بطور اخص و ساکنین سراسر روستاهای دشت مکریان بطور اعم نشاندهید که : فرزندانشان حاضر و قادرند در هر جا ، هر موقع و در هر شرایطی : (روز یا شب ، گرما یا سرما) که لازم باشد از آرمان و اهداف تاریخی آنان که : چیزی جز : ((آزادی و استقلال)) نبوده رنیست دفاع نمایند پیروز باشید.

ساعت 2 نیمه شب فرمانده دسته یکم از طریق بیسیم شروع عملیات را به مقرر فرماندهی که حدود 500 متری از منطقه عملیات فاصله داشت به مقرر فرماندهی عملیات اعلام و از آن ببعد صدای شلیک آر پی جی و رگبار کلا - شینکف و حتی صدای پیشمرگان : تسلیم ، تسلیم یا کشته میشوید از پیشمرگان بر احوالی شنیده میشد.

ولی از نفس عملیات مهمتر اینکه : در خاتمه عملیات اعلام کردند که : (نه تنها گشته ائی نداریم) ، بلکه حتی زخمی هم نداریم و همه پیشمرگان سالم اند و پایگاه در اختیار ما است.

این خبر بار دیگر و بارهای دیگر به من " سرهنگ چیا " بعنوان یک متخصص و صاحب نظر در جنگهای چر - یکی " پارتیزانی " نشان داد و ثابت کرد که مردم کرد با داشتن چنین فرزندان : لایق ، رشید و فداکار و علیر - غم اهما لگریها ، عوام فریبها و دل بستن به : (قضاء و قدرها) ی رهبران " گمشده راهنما " سرانجام به هدف و الاومقدس خود خواهد رسید.

چراکه : (در تناسب کنونی جهان اگر خلقی ضعیف و کوچکی مصممانه بیا خیزد و برای آزادی و استقلال خود مبارزه کند ، میتواند و قادر است دشمنانش را هر که باشند به عقب نشینی وادارد و بزاند آورد). از ژنرال **جیاب**.

مسلم این عملیات و یا هر عملیات دیگر چریکی " پیشمرگه یا گریلا " ائی زمانی از نتایج مطلوبی برخوردار خواهد شد که : هدف از آن از نظر " سیاسی و ئیدئولوژیکی " همزمان برای افکار عمومی اقشار و طبقات مردم و همچنین برای نیروهای اشغالگر از طریق اعلامیه ها و یابرنامه های رادیویی توضیح داده شود ، بنام : (**توجیه عملیاتی**).

در غیر اینصورت عملیات بخودی خود عنوان جنگ کور : (جنگ بخاطر جنگ) را خواهد یافت . بعبارت دیگر : (همه هدف لکن بیهدف). این چیزی است که : تاکنون بر همه اصول و اهداف جنگ آزادیبخش ما چه : در مناطق روستائی و یا شهری سایه افکنده است !!

بطوریکه : اگر فجایع شهرهای " سنندج ، سقز و مهاباد " را در سالهای 1358 - 1359 شمسی در کردستان شرقی را بیاد بیاوریم ، آنوقت بقول **مولوی** : (آفتاب آمد دلیل آفتاب).

در اینجا و قبل از پایان اینموضوع مایلیم این نکته مهم و اساسی را یادآور شوم : جنگ چریکی " پیشمرگه یا گریلا " - ائی واقعا یک : (فن) است که من " سرهنگ چیا " در اینجا و سایر نوشته های دیگرم در اینباره : فقط به جزئیات - تی از اصول و قواعد ابتدائی و ساده و غالبا یکنواخت آنرا عرضه کردم.

نمیتواند وسیله مردان : (متلون و دمدمی المزاج و یا ... مبتلا به عارضه طرفداری از جنگهای " پارتیزانی و یا گریلائی ") به نتیجه مطلوبی برسد.

زیرا : باتوجه به تکنیک " **ضد چریک** " نمیتوان از روی : (**قهرمان نمائنها و خیالبا فیهها**)) ارتکاب کمترین اشتباهی را بخود اجازه داد.

رفقا ! ، این نکته را از یاد نبریم :

((هر چند که درد زایمان هرملتی بسیار مشکل و طاقت فرسا است ، اما برای تولد : (آزادی و استقلال) وی این استقامت لازم و ضروریست)) . **پایان**.

Chia.rabii@yahoo.com

2009-02-18

مالمو سوئيد.